



سپردن گواهی حصر وراثت به ثبت احوال

رئیس سازمان ثبت احوال کشور از اجرای طرح صدور گواهی انحصار وراثت از سال آینده از طریق این سازمان خبر داد. به گزارش همشهری آنلاین، هاشم کارگر در این باره گفت: «طبق قانون برنامه هفتم توسعه، سازمان ثبت احوال کشور مکلف به صدور گواهی انحصار وراثت بدون نیاز به درخواست وراثت و ذی‌نفعان ظرف ۲۰ روز پس از ثبت واقعه وفات از سال آینده خواهد بود.» او ادامه داد: «با تکمیل پروژه بزرگ سببی و نسبی و اتصال اسناد سجلی خانواده به یکدیگر این امر محقق خواهد شد و باید هر چه سریع‌تر آیین‌نامه این امر تدوین و در هیئت‌دولت تصویب شود. صدور گواهی حصر وراثت به‌صورت الکترونیک موجب تسریع و تسهیل خدمت‌رسانی به مردم خواهد شد و جلسات تدوین آیین‌نامه این گواهی به‌صورت فشرده در سازمان ثبت احوال کشور در حال برگزاری است.»



۲۸۱ خودرو در آتش به دلیل گرما

سختگویی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی یکی از کلانشهرهای کشور، از آتش‌سوزی ۲۸۱ خودرو در این شهر بر اثر گرمای هوا خبر داد. محمد شریعتی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان در این باره گفت: «با گرم شدن هوا در فصل تابستان شاهد افزایش حریق خودرو در شهر اصفهان هستیم که علت آن ناشی از هم‌رفتی دمای هواست.» او ادامه داد: «حریق از ۲ طریق نقص فنی در سیستم سوخت‌رسانی و دیگری ناشی از بی‌توجهی و سهل‌انگاری در رعایت موارد ایمنی ناشی می‌شود.» سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان گفت: «در حریق نقص فنی سیستم سوخت‌رسانی با نشر بنزین موجب آتش‌سوزی شده که برای پیشگیری از آن رعایت نکاتی از جمله بازدید دوره‌ای، معاینه فنی، بازرسی سیم‌کشی خودرو... نیاز است.»



نگرانی درباره پشه آندس در آرادکوه

رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران در خصوص تکثیر پشه آندس (عامل تب‌دنگی) گفته است که آرادکوه می‌تواند شرایط را سخت کند و مکانی بحران‌زا باشد و باید هر چه سریع‌تر این محیط بهسازی شود. علی نصیری با بیان اینکه شهر تهران در شب‌ها حدود ۵/۹ میلیون نفر جمعیت دارد، گفت: «در وسعت ۷۵۰ کیلومتر این شهر، ما ۵۵ مخاطره در سال ۱۴۰۳ شناسایی کردیم که ۱۴ مورد آن در سال ۱۴۰۳ اولویت دارند که یکی از این موارد پشه آندس است. این پشه ۳ بیماری معروف تب‌دنگی، چیکن گونیا و زیکا را به انسان‌ها منتقل می‌کند که هرکدام از آنها می‌تواند برای انسان خطراتی داشته باشد.» او با اشاره به وظایف شهرداری‌ها برای مقابله با پشه آندس و بیماری‌های ناشی از آن نیز گفت: «جمع‌آوری و دفع آب‌های شوری، سمپاشی محیط شهری، پاکسازی و رفع آلودگی کانون‌های تجمع زباله، بهسازی آب‌نماها، جمع‌آوری لاستیک‌ها و خودروهای فرسوده، تشدید نظارت بر آبیاری فضای سبز و جلوگیری از غرق‌آبی شدن از جمله وظایف شهرداری‌هاست.»

که مقدمه بر رفتارشناسی و اکولوژی رفتار که سال ۱۳۷۳ برای اولین بار منتشر شده‌اند، از کجا آمده‌اند؟ استاد برای پاسخ دادن به پرسش، من را پیش آقای وهاب‌زاده برد. آنجا همه چیز عوض شد و تازه فهمیدیم زیست‌شناسی چیست. پیش آقای وهاب‌زاده فهمیدیم ما چرا از چه قرار است. سطح انتخاب یعنی چه؟ انتخاب طبیعی چطور عمل می‌کند و موضوعات دیگر. هیچ‌کس راجع به این موضوعات در دانشگاه صحبت نمی‌کرد.»

استاد وهاب‌زاده یک فیلسوف - دانشمند است

هادی صمدی، استاد فلسفه علم به‌عنوان آخرین سخنران نشست به بررسی جایگاه علمی عبدالحسین وهاب‌زاده پرداخت: «بحث را اینگونه شروع می‌کنم: اگر مطابق با علم‌سنجی بخواهید متر بریزید که یک نفر چه جایگاهی در علم دارد، به تعداد مقاله‌های او و شاخص‌های دیگر می‌پردازید. اگر مطابق با این متر بخواهیم جلو برویم استاد خیلی جایگاه ویژه‌ای ندارد، اما ایشان متعلق به نسلی هستند که علم به نحوه دیگری بود و در سایه هوش مصنوعی فهمیدیم باید به فهم قدیمی خود به علم برگردیم. کنشگری وجهه مهمی از علم محسوب می‌شود. دانشمند دسته‌ای از کنشگری‌ها را انجام می‌دهد. در رشته‌ای مثل زیست‌شناسی این کنشگری مواجه با بخش‌هایی از طبیعت و گاهی غرق‌شدن روزها در جنگل‌هاست. یک نوع یگانه‌شدن با طبیعت. این یکی از انواع کنشگری‌های علمی است و علم کنشگری‌های دیگری هم دارد.»

او در ادامه به ارائه مثالی پرداخت: «فرض کنید به کنسرتی می‌روید و رهبر ارکستر چوبی را بالا و پایین می‌کند. رهبر ارکستر ما یک نوع کنشگری دارد و با توجه به بازخوردهایی که از جهان می‌گیرد، تحت‌تأثیر این دوگانه کار خودش را جلو می‌برد اما هرکدام از افرادی که موسیقی را می‌نوازند یک نوع کنشگری دیگری دارند و ما شاهد سلسله‌مراتبی از کنشگری‌ها هستیم. در علم هم به همین شکل است یعنی باید وجه کنشگرانه علم را در ابعاد مختلفی دید. ایشان در سطح زندگی فردی بده‌بستان‌هایی با طبیعت دارد، همچنین در نقش رهبر ارکستری است که می‌تواند جمعی از دانشجویان را هدایت کند. علم یک نوع فرآیند است و نباید صرفاً در قالب مقالات سنجید. علم یک فرآیند شورمندانه است که اگر این وجه را از آن بگیریم، به یک فرآیند مکانیکی تبدیل می‌شود. جالب اینکه با گسترش هوش مصنوعی مجدد وجه کنشگری و شورمندانه علم پررنگ شده است، وجه دومی که باز در کتاب‌های فلسفه علم در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، مفهوم فهم است. فهم، چیزی است که قابل برون‌سپاری به هوش مصنوعی نیست.»

صمدی درباره شیوه نگارش عبدالحسین وهاب‌زاده هم گفت: «کسی که کتاب‌های استاد را خوانده باشد، می‌فهمد که شیوه نگارش ایشان مکانیکی نیست و یک شورمندی در آن وجود دارد. می‌خواهم به نقش اصلی استاد وهاب‌زاده در علم اشاره کنم. کتاب‌های استاد را که می‌بینیم، در ابتدا ممکن است درباره ارتباط بین آنها شک کنیم، چراکه دسته‌ی متکثری از آراء را می‌بینیم که همگی با موضوع بوم‌شناسی جلو آمده‌اند. بوم‌شناسی به شما این اجازه را می‌دهد که از بیرون شرایط را نگاه کنید. اگر کارهای استاد را از این منظر نگاه کنیم، می‌بینیم که یک جهان‌شناسی کلی را شکل می‌دهد و نقش یک فیلسوف را بازی می‌کند. علم معمولاً گفته می‌شود که ساحت توصیف است اما می‌بینیم که کارهای استاد مکرر در سال‌های اخیر وجه تجویزی در کارهای استاد مشاهده می‌شود که با یک پیش‌زمینه نظری گسترده است. این پیش‌زمینه نظری یک جهان‌بینی کامل را شکل می‌دهد. چنین افرادی در نقاط دیگر جهان هم زیاد نیستند. این وجوه مهمی است که باید به آن توجه شود. اگر وجوه علمی نادیده گرفته شود، ممکن است شما فقط یک کنشگر شورمند را ببینید. استاد وهاب‌زاده نقش ادینتور را بازی کرده که در غرب به فردی گفته می‌شود که دسته‌ای از کتاب‌ها را در راستای هدف خاصی گزینش می‌کند. ما این شانس را داشتیم که یک فیلسوف دانشمند داشته باشیم.»

داد: «یک راه حل دیگر تغییر سرمشق مصرف و کاهش کل انرژی مصرفی در جهان و در خانه‌هاست. در همین راستا بارها به کاهش مصرف انرژی اشاره شده است. ما از جیره مصرفی بشری بیش از حد داریم استفاده می‌کنیم و باید کمتر استفاده کنیم. برای مثال دوچرخه به‌عنوان کارآمدترین وسیله معرفی شده و خیلی‌ها این بحث‌ها را می‌دانند و از آن حرف می‌زنند و می‌نویسند اما افراد خیلی کمی آستین بالا می‌زنند و پیش‌قدم می‌شوند. اندکی از مردم عمل را با نظرشان همگام می‌کنند. استاد وهاب‌زاده قبل از هر چیزی فروتن است و بعد از آن عمل را با نظر همگام کرد. او فقط به تریبون، کتاب، تدریس و ارائه راه‌حل نپرداخت بلکه عمل هم کرد. او مترجم، متفکر، مدرس و کنشگر است.»

خاطره یک آشنایی

کاوه فیض‌اللهی، مترجم یکی دیگر از سخنرانان بود که در ادامه به روایت داستان آشنایی‌اش با عبدالحسین وهاب‌زاده پرداخت: «من ۲۸ سال پیش با آقای وهاب‌زاده آشنا شدم. پاییز سال ۱۳۷۵ با ایشان آشنا شدم و شعله‌ای از ایشان گرفتم که خودم را نگهبان آن شعله می‌دانم. قبل از اینکه به خاطره برسیم، بگذارید کمی به عقب‌تر برگردیم و شروع کنیم. جایی که جهان به‌وجود آمد و ما در قالب موجودی به نام انسان از وجود جهان آگاه شدیم. ما ملکول‌هایی هستیم که خودآگاه شدیم و برای این موجود خودآگاه برخی سوالات مطرح هست مثل اینکه ما چطور به این دنیا آمده‌ایم؟ زمانی که ما وارد جامعه می‌شویم، بقیه طوری با ما برخورد می‌کنند که انگار این سوالات مهم نیستند و کسی کاری ندارد این جهان از کجا آمده و ما چی هستیم؟ من از ابتدا با سماجت دنبال پاسخ این سوالات بودم و زمانی که در جامعه جوابی پیدا نکردم، در دانشگاه به دنبال آن رفتم. در رشته زیست‌شناسی که علم حیات است به دنبال پاسخ این سوالات رفتم. منتها پاسخ سوالات خودم را نگرفتم. در دانشگاه گیاه‌شناسی و رشته‌های دیگر درس می‌دادند منتها همه اینها وضع موجود را بررسی می‌کرد، نه پیشینه اینکه از کجا این وضع شکل گرفته است؟ چیزی که ما داشتیم، تاریخ و بعد زمان بود که در رشته‌مان گم شده بود، ولی من می‌دانستم که پاسخ سوالاتم باید همین اطراف باشد.»

او ادامه داد: «پاییز سال ۷۵ به یکی از اساتیدم گفتم



مژگان احمدیه فعال محیط‌زیست:

علاوه بر دانش ایشان که من قادر به درک عمق آن نبوده‌ام، مسحور ویژگی‌های اخلاقی ایشان شدم. عشق به حیات، سادگی و صمیمیت استاد، ممارست در کار تألیف و ترجمه کتاب‌های بسیار، صراحت در مرادفات، پاسخگویی به پرسش‌ها، تلاش و پیگیری بی‌دریغ ایشان چنان عشقی در من ایجاد کرد که با تمام نیرو با سایر همکاران موزه به فعالیت در حوزه آموزش پرداختیم

وهاب‌زاده عمل را با نظر همگام کرد

غلامعلی کشانی، مترجم سخنران بعدی این مراسم بود. او به برخی بحران‌هایی که بشر امروز با آنان دست و پنجه نرم می‌کند، پرداخت. کشانی درباره اهمیت همگام بودن عمل با نظر سخن گفت: «ما در حال حاضر در محاصره بین ابربحران‌هایی هستیم که بشریت امروز و بشر ایرانی را فرا گرفته‌اند و البته کم‌اهمیت‌ترین این ابربحران‌ها سیاسی است. بحران سیاسی کم‌اهمیت‌ترین بحران در میان این همه بحران است. مهمترین بحران، بحران محیط‌زیست صنعتی و مصنوعی ماست. اگر صالح‌ترین دولت‌ها در جهان بخواهند این ابربحران محیط‌زیست را حل کنند، شدنی نیست. مردم، ملت‌ها، کنشگران و مردم عادی باید این مشکل را حل کنند و دولت‌ها نمی‌توانند این مسئله را حل کنند و شاید اصلاً دنبال آن نباشند و حتی برعکس ایجادکننده آن باشند. ما بین شیشه، سنگ، آسفالت، پلاستیک‌سالاری، خودروسالاری، آلودگی آب و هوا، تغییر اقلیم و انواع بیماری‌های سبک زندگی صنعتی و سمی گرفتار و محاصره شده‌ایم. این محاصره‌گرایی چه در آپارتمان‌های قلکی شهرها، چه در روستاهای ویران‌زده امروز وجود دارند. این شرایط برای ما تعارضاتی به‌وجود می‌آورد. تعارضات ذهنی، روانی، روحی، جسمی و حتی بین‌المللی به‌وجود می‌آورد. تأثیر این تعارضات بر کودکان بسیار شدیدتر است تا ما که نسل قدیمی‌تری هستیم، با موبایل متولد نشدیم و توانستیم کمی در طبیعت بگردیم.»

کشانی ادامه داد: «در دوران مدرن چند اصل عمده حاکم بوده که به آن‌ها اشاره می‌کنم. هر چه بیشتر، بزرگتر و بهتر. هر چه بیشتر و بزرگتر؛ سریعتر، ثروتمندتر، پرمصرف‌تر، متمرکزتر، شهری‌تر و الی‌آخر. این اصلی است که شاید ۳۰۰ سال پیش تا حالا وجود داشته و طبعاً رسیدن همه افراد به این آرمان‌ها یک توهم است و همه نمی‌توانند به آن برسند چون سیاره محدود توان رشد نامحدود به ما نمی‌دهد. شرایط محیط‌زیست در گرو مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حکمرانی است. اگر خللی در این مسائل باشد، حتماً نتیجه‌اش به محیط‌زیست برمی‌گردد و یک جای محیط‌زیست را خراب می‌کند و خلل را در محیط‌زیست به‌وجود می‌آورد. بشری که این وضعیت را به وجود آورده، بشر پس‌اندیش یا کوتاه‌اندیش یا بشر پلنیمه‌وار است. ما بشر مقابل آن هم داریم. یعنی بشری که دوراندیش و پیش‌اندیش است ولی هرگاه که این بشر کوتاه‌اندیش توانسته فعالیت کند، زیست‌بوم‌ها و زیستگاه‌ها را نابود کرده است.»

او با اشاره به تمدن‌هایی که با تفکرات بشر کوتاه‌اندیش نابود شده‌اند، گفت: «بسیاری از تمدن‌ها به‌دلیل سلطه انسان کوتاه‌اندیش از بین رفته‌اند. آخرین آن‌ها تمدن جزایر ایستر بوده است. یکی از راه‌حل‌های بزرگ چیزی است که جناب وهاب‌زاده کشف کرده و به سراغ آن رفته‌اند: آموزش نسل نو که یکی از راه‌حل‌های کلان محسوب می‌شود. برای اینکه این کار انجام شود باید تغییر سرمشق‌ها و الگوها انجام گیرد. یعنی همان پارادایم شیفت. انسانی که این آموزش را پیدا می‌کند، یعنی می‌خواهد خودش یا نسل نو را تغییر دهد. او نسلی را تربیت می‌کند که پیش‌اندیش است و فروتن و قبول می‌کند که تکنولوژی، تکنولوژی را رفقو نمی‌کند بلکه ممکن است باعث پیچیدگی بیشتر شود. از طرفی دیگر آدمی که چنین است، از بدو تولد در طبیعت و از طبیعت می‌آموزد. آدمی که آموزش دیده توسط افراد دلسوز است، یاد می‌گیرد جزو طبیعت باشد، نه بهره‌کش آن. این آدم یاد می‌گیرد که بازی تفکر کودک است یا برعکس تفکر بازی کودک است.» کشانی ادامه



سازمان ثبت و اسناد املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۳۰۲۲۱۰۰۰۱۵۸۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ هیات اول ادموم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدمهدی صفوی به شماره شناسنامه ۴۴۰ کد ملی ۱۹۹۱۱۳۵۲۸۶ صادره فرزند سیدابوبالقفل در سمتی از/شناس‌دنگ یک قطعه زمین کشاورزی با کاربری کشاورزی به مساحت ۹۹۹/۰۷ مترمربع پلاک شماره ۱۷۷۷ اصلی واقع در اصفهان بخش ۰۶ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأیید (انتقال عادی مع‌الواسطه از طرف آقای محمدجواد امینی به موجب سند ۳۳۷۹ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۴ دفترخانه ۷۸ اصفهان یک جریب از ۱۴ جریب مشاع از ۷۸ جریب شش دانگ از قریه راشان پلاک ۲۱۷۷ اصلی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

سازمان ثبت و اسناد املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه مرکزی اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۳۰۳۰۳۰۲۳۰۰۰۹۵۴ مورخه ۱۴۰۳/۴/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اداره ثبت اسناد و املاک مرکزی اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مصطفی کشانی فرزند بهمانعلی به شماره شناسنامه ۱۲۷۰۳۰۱۵۱۲ صادره از اصفهان در یک باب خانه به مساحت ۱۲۷/۱۲ مترمربع مجری شده از پلاک ۶۳۴۶ اصلی واقع در بخش ۳ ثبت مرکزی اصفهان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

حسین زمانی علویجه - رئیس ثبت اسناد و املاک